

بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی شهروندان (نمونه موردی شهر شیراز)

عبدالمطلب عبدالله*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۰۳

ملیحه زارع**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۲۲

چکیده

تربیت سیاسی در ادبیات علوم سیاسی و علوم تربیت، کاری است بکر و نو که به لحاظ ماهیت از منظرهای مختلف قابل طرح و توجه است. تبیین مفهوم تربیت سیاسی، بدون توجه به مبانی و اصول و روش‌های بنیادین آن در اندیشه اسلامی، ممکن است ما را به هدف اصلی و غایی رهنمون نسازد. از این رو، مقاله حاضر به تبیین مبانی، اصول و اهداف روش‌های تربیت سیاسی با رویکرد دینی پرداخته است. هدف از این پژوهش تعیین عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی از دیدگاه شهروندان شیراز است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و بخش اصلی از طریق پیمایش با استفاده از ابزار پرسشنامه به دست آمده است. نمونه آماری ۳۲۱ نفر از شهروندان بالای هجده سال منطقه یک شیراز بوده‌اند. پایایی ابزار سنجش برپایه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ بوده است. در این پژوهش تأثیر چند عامل به عنوان متغیرهای مستقل بر تربیت سیاسی (متغیر وابسته) بررسی شده است. هدف این پژوهش میزان اثربخشی هر یک از عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی شهروندان از دید خود پاسخ‌دهندگان است. در این تحقیق، از پاسخگویان سؤال شده که کدامیک از عوامل بیشترین تأثیر را بر تربیت سیاسی شما داشته است؟ نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که مهم‌ترین عاملی که از دید پاسخ‌دهندگان در تربیت سیاسی بیشترین تأثیر را دارد عبارتند از: در درجه اول رسانه‌ها با مقدار معیار آزمون T استودنت ۱۲/۷۰ و پس از آن خصلت‌های فردی با میانگین ۱۱/۷۲ بوده است. دولت با مقدار ۶/۷۱، اسلام با مقدار ۴/۹۵، مراکز علمی با مقدار ۴/۸۸ در مراحل بعدی قرار دارند. دو شاخص اجتماع با مقدار ۰/۷۰ و وضعیت اجتماعی و اقتصادی با مقدار ۰/۴۶ در تربیت سیاسی تأثیری نداشته‌اند.

واژگان کلیدی

سیاست، تربیت سیاسی، نظام سیاسی، دانش سیاسی.

abdollah_ab@yahoo.com

Malihe.zareh93@gmail.com

* دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی

** کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

از نظر سول (Soule) تربیت سیاسی فرآیندی است که ناظر بر تغییر نگرش‌های سیاسی افراد و افزایش مهارت‌های مشارکتی و قابلیت‌های اجتماعی ارزش‌گذاری آن‌ها نسبت به حقوق سایر شهروندان می‌باشد. هاوکینگ تربیت سیاسی را به معنای رشد و ارتقای آگاهی‌ها و مهارت‌های سیاسی می‌داند که خود به‌منزله ابزار مهمی جهت ترغیب شهروندان به مشارکت در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی از جمله انتخابات می‌شود (امینی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۲). تربیت یکی از پیچیده‌ترین فرآیندهای انسانی و اجتماعی است و جوامع مختلف همواره با معضل تربیت و چگونگی آن مواجه بوده‌اند. همچنین اندیشمندان زیادی در مورد کم و کیف آن و چگونگی آن، بحث‌های فراوانی را مطرح کرده‌اند. صرف نظر از اختلافات فکری و نظری فراوانی که درباره آن وجود دارد، در مورد چگونگی فرآیند عملی آن در سنن و مقاطع مختلف هم اختلافات زیادی به چشم می‌خورد. تربیت سیاسی از دوران باستان تاکنون مورد توجه فیلسوفان و اندیشمندان بوده است. در دیدگاه افلاطون و ارسطو، سیاست بر اساس اخلاق و تربیت و در خدمت آنان بود و موضوع سیاست را تربیت می‌دانستند؛ اما در دوره رنسانس با ظهور افرادی مثل ماکیاولی در مفهوم سیاست انحرافی رخ داد که باعث عوض شدن نقش اخلاق و تربیت شد؛ و این دو در خدمت تأمین منافع قدرتمندان قرار گرفتند و سیاست به منظور حفظ قدرت در نظر گرفته شد، چرخش موضوع سیاست از تربیت به قدرت باعث شد که قدرت سیاسی جایگزین تربیت سیاسی شود و امروزه تربیت سیاسی فقط در محدوده جامعه‌شناسی یا به عبارت دیگر در جامعه‌پذیر کردن افراد نقش دارد و برای تربیت سیاسی ویژگی‌هایی مطرح می‌شود که نوعاً به معنای پذیرش ظاهری و مورد تصویب بشری است؛ به‌گونه‌ای که بتواند در فرآیند مشارکت سیاسی نقش بیشتری داشته باشد (سلحشوری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره آموزه‌های تربیتی، در متون و منابع دین اسلام و در دو قالب آموزه‌های حقوقی فقهی و اخلاقی منتشر گردیده است. باین وجود، گونه‌ای خاص از تربیت که می‌توان از آن به «تربیت سیاسی» تعبیر کرد، در این پژوهش‌ها و آثار مغفول مانده است. اگرچه می‌توان در کتاب‌های گران‌سنگ تفسیری و روایی،

گزاره‌هایی تربیتی در حوزه سیاست و زندگی سیاسی ذیل برخی از آیات قرآن کریم مشاهده و استخراج کرد اما گزاره‌های مذکور به‌طور پراکنده و غیرمرتبط با یکدیگر و به‌طور جداگانه مورد توجه قرار گرفته‌اند. ضرورت پژوهش‌هایی خاص که با چنین رویکردی به آموزه‌های تربیتی متون و منابع دینی بپردازند، آشکار می‌گردد (میراحمدی، ۱۳۸۷: ۹۶). از جنبه‌های نظری و تدوین الگوی نظری تربیت سیاسی باید ساختار منطقی برای این امر فراهم شود تا فرآیند تربیت سیاسی بر مبانی و اصول و روش‌هایی متکی گردد. تربیت سیاسی مردم در هر جامعه‌ای موجب کارآمدی و بقای قدرت حاکمه می‌شود از این‌رو از ضروری‌ترین مسائل هر نظام سیاسی است. از آنجا که تربیت سیاسی گرایش‌ها و واکنش‌های مردم نسبت به برنامه‌های نظام سیاسی را جهت‌دهی می‌کند. امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران اصول و مؤلفه‌هایی را برای تربیت سیاسی مردم تبیین می‌نماید که همگی در بستر سبک زندگی ترسیم و تصویر می‌شوند (بیگی و فتاحی، ۱۳۹۴: ۲). بی‌شک یکی از مسائل مهم نظام‌های سیاسی که به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته، مسئله تربیت سیاسی است؛ زیرا تنظیم و ترویج ایستارهای سیاسی شهروندان و مدیران هر نظام سیاسی گامی به‌سوی کارآمدی و پیشرفت آن نظام در دنیای معاصر تلقی می‌شود (پور فرد، ۱۳۸۷: ۱۲۴). برای اجرا و عملی شدن مواردی که در بحث از اهمیت آشنایی با اندیشه سیاسی اشاره شد، می‌توان از ابزار تعلیم و تربیت که در واقع اساسی‌ترین راه آموزش و پرورش افراد استفاده کرد. تعلیم و تربیت در اسلام از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و تأکید بسیاری درباره آن صورت گرفته است (جراحی دربان، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

پیشینه پژوهش

امینی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای می‌نویسند، میان دیدگاه‌های دبیران و دانش‌آموزان در مورد میزان اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه تفاوت معنادار آماری وجود دارد. ضمن آنکه اطلاعات به‌دست آمده نشان داد که این برنامه از نظر دانش‌آموزان کاملاً غیر اثربخش است.

بیگی و فتاحی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای می‌گویند تربیت سیاسی و سبک زندگی در

اندیشه امام خمینی (علیه السلام) از همدیگر متأثر هستند. حاصل تعامل این نوع از سبک زندگی و جامعه‌پذیری نظم و امنیت جامعه است. این اصول هم از عوامل ایجاد نظم و امنیت و هم از عوامل حفظ و کنترل نظم و امنیت به شمار می‌آیند که عدم آن‌ها موجب زوال نظم و امنیت می‌شود.

موسوی الیگودرزی (۱۳۸۷) معتقد است باید بر طبق چشم‌اندازها و نگرش‌های ویژه به جامعه و سیاست، برنامه تربیت سیاسی جوانان را تبیین نموده، برای آن ساختاری نظری و منطقی فراهم شود تا فرآیند تربیت سیاسی نظام آموزشی بر مبنای اصول و روش‌های محکمی بنا گردد.

منصور میر احمدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با توجه به مرجعیت و منابع دینی در اندیشه سیاسی اسلام، به لزوم مراجعه به آن‌ها برای استنباط و استخراج اصول و مبانی تربیت سیاسی پرداخته است.

پور فرد (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به این نتیجه می‌رسد که مهم‌ترین تأکید شهید مطهری بر موضوع فطرت و اختیار انسان است. مبانی اندیشه شهید صدر در مورد تربیت سیاسی شامل نظریه خلافت انسان، آزادی و حریت و عقلانیت است؛ مهم‌ترین تأکید شهید صدر بر موضوع نظریه خلافت انسان در بحث تربیت سیاسی است. سرانجام مبانی اندیشه شهید بهشتی در مورد تربیت سیاسی بررسی شده است که شامل نظریه فطرت، اختیار و آزادی، اوامر و نواهی انسان است؛ مهم‌ترین تأکید شهید بهشتی بر موضوع اختیار و آزادی است.

در پژوهش حاضر سعی بر این است که تأثیر عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و از میان عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی، مؤثرترین آن‌ها را مشخص نماییم.

مفاهیم و چارچوب نظری

الف) مفاهیم

۱- تربیت

تربیت در زبان فارسی، به معانی مختلفی مانند پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، پرورش دادن و بار آوردن آمده است (دهخدا، ۵۵۰) استاد مطهری در تعریف

تربیت می‌نویسد: «تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت و پروردن، بنابراین تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است» (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۸۳). ابراهیم‌زاده در کتاب فلسفه تربیت در تعریف تربیت می‌گوید: «تربیت، عبارت است از: فراهم کردن زمینه‌ها برای شکوفایی و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه انسان به‌منظور حرکت تأملی او به سوی هدف مطلوب، منطبق بر اصولی معین و برنامه البته برای تربیت، تعاریف بسیار زیادی ارائه شده است که در واقع هر یک از آن تعاریف، زاویه دید خاصی به آن دارند و در جایگاه خود قابل احترام و پذیرفتنی هستند» (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶). در امر تربیت باید بر فعالیت آزاد و درونی توجه کرد. هنگامی می‌توان از تربیت انسان سخن گفت که به گوهر انسانی و ارزش‌هایی که او را از سایر حیوانات جدا می‌کند، توجه کنیم (سلحشوری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

۲- سیاست

سیاست نیز در لغت به معنای اصلح امور خلق، اداره کردن کارهای مملکت، حکم راندن بر رعیت و ریاست کردن آمده است (معین، ۱۳۸۶) دکتر عالم در تعریف سیاست می‌نویسد: «سیاست، رهبری صلح‌آمیز یا غیرصلح‌آمیز روابط میان افراد، گروه‌ها و احزاب (نیروهای اجتماعی) و کارهای حکومتی در داخل یک کشور، و روابط میان یک دولت با دولت‌های دیگر در عرصه جهانی است» (عالم، ۱۳۷۶: ۳۰).

۳- تربیت سیاسی

جان الیاس در بیان مفهوم تربیت سیاسی می‌نویسد: «تربیت سیاسی پرورش فضایل، دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی و آماده کردن اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه خود است» (الیاس، ۱۳۸۵: ۱۸۰). وی اموری همچون تربیت شهروندان، گزینش رهبران سیاسی، ایجاد یک همبستگی سیاسی، حفظ قدرت سیاسی، اجتماعی کردن افراد برای نظام‌های سیاسی، نقد نظام سیاسی موجود و تربیت شهروندان جهانی از جمله اهدافی است که برای تربیت سیاسی ذکر

می‌کند (همان).

با توجه به اختلاف در مفهوم تربیت و سیاست، تعریف‌های متفاوتی نیز از تربیت سیاسی شده است. مفاهیم هم‌خانواده آن، تربیت اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی و اخلاق اجتماعی است که هر یک نیاز به تبیین جداگانه دارد. می‌توان گفت که «تربیت سیاسی پرورش فضایل، دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی و آماده کردن اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه خود است» و اموری همچون تربیت شهروندان، گزینش رهبران سیاسی، ایجاد یک همبستگی سیاسی، حفظ قدرت سیاسی، اجتماعی کردن افراد برای نظام‌های سیاسی، نقد نظام سیاسی موجود، و تربیت شهروندان جهانی، از جمله اهدافی است که برای تربیت سیاسی ذکر کرده‌اند» (موسوی الیگودرزی، ۱۳۸۷: ۷۵).

محمد طحان ابتدا به تعریف تربیت سیاسی پرداخته و سپس اهداف آن را بیان می‌کند او در تعریف تربیت سیاسی می‌گوید: «تربیت سیاسی پروسه‌ای است که به ایجاد شخصیتی عقلانی، منتقد، توانا در گفت‌وگوهای سازنده و توانمند در عملکردهایی که به بهبود هر چه بیشتر وضعیت، می‌انجامد. به این معنا تقویت بینش انسان به صورتی که اهل نظر بوده، توانایی تحصیل، کسب بینش سیاسی (مستقل) را برای خود به ارمغان آورده که هدف از آن، پرداختن به رشد و گسترش روزافزون بینش و دیدگاه‌هایی است که دربرگیرنده ارزش‌ها، اعتقادات، جهت‌گیری‌ها و عواطف سیاسی می‌باشد از دیگر اهداف تربیت سیاسی را ایجاد توانایی‌ها و سامان‌دهی استعدادها در جهت مشارکت سیاسی می‌داند» (محمد طحان، ۱۳۸۱). مسعودیان و بهشتی اهداف تربیت سیاسی بر مبنای نهج‌البلاغه را رساندن انسان به آزاداندیشی، ایجاد امنیت و صلح، پرورش روح عدالت‌خواهی و توسعه آموزش و پرورش ذکر کرده‌اند (مسعودیان و بهشتی، ۱۳۹۲: ۱۴).

تعلیم و تربیت از دیدگاه پست‌مدرن، علاوه بر آن‌که بر افق‌های وسیع‌تر معرفتی و انسان‌شناختی، جهان‌شناختی و جامعه‌شناختی تأکید می‌کند، مایه‌های انتقادی و دموکراتیک نیز دارد. انتقاد همه‌جانبه پست‌مدرن از دوران مدرنیته و همه عناصر فرهنگی، اجتماعی و آموزشی آن بیانگر مایه‌های انتقادی این نظریه است. تأکید بر عدالت،

آزادسازی، احساس همدردی به نظریه انتقادی شباهت دارد و تکیه بر تکثرگرایی فرهنگی، برابری، رشد و تحول و اجتناب از استیلای فرهنگی خاص نیز از مایه‌های دموکراتیک آن است. بررسی نظریه‌های تربیت سیاسی مطرح شده نشان می‌دهد که با این نظریه‌ها وجود اختلاف‌های ظاهری در اهداف، وسایل، محیط، شرایط تاریخی و سیاسی و اجتماعی، همگی تقریباً غایت مشترکی دارند و آن «تربیت شهروند شایسته» است، هرچند که شهروند شایسته از منظر آنان تفاوت‌های جدی با یکدیگر دارد. اما در حوزه نگرش دینی که حکومت را وسیله‌ای مقدس برای رسیدن به اهداف و مقاصد عالی و تأمین مصالح و نیازمندی‌های مادی و معنوی می‌داند، حکومت و سیاست و هر آنچه تابع و همسو با آن قرار است، چیزی جز وسیله‌ای برای رسیدن به «کمال» نیست و طبعاً همه اهداف حکومت، حتی اهداف به ظاهر مادی و دنیوی نیز در اسلام، در خدمت این غایت والا قرار می‌گیرد (رهنما و همکاران، ۱۳۸۷: ۳).

ریشه پیوند «ساخت سیاسی» و «تربیت سیاسی» این است که تربیت سیاسی یکی از مهم‌ترین فرآیندهایی است که نقش انکارناپذیری در جامعه‌پذیری سیاسی در هر جامعه‌ای دارد. جامعه‌پذیری سیاسی یکی از مسائل اساسی در فرهنگ سیاسی هر جامعه است که از خلال آن، بین ارزش‌های نظام سیاسی و نگرش عمومی پیوند و هماهنگی به وجود می‌آید. هرچقدر عمق و گستره جامعه‌پذیری سیاسی بیشتر باشد به همان میزان پیوند بین دولت و جامعه عمیق‌تر و وسیع‌تر است و در نتیجه دولت از ثبات و مشروعیت بالاتری برخوردار است. از این نظر تربیت سیاسی به عنوان مقدمه‌ای برای جامعه‌پذیری سیاسی در هر جامعه‌ای از اهمیت ویژه برخوردار است. البته باید گفت که در مورد جامعه‌پذیری سیاسی در علم سیاست و فلسفه سیاسی، نگرش‌های متعدد و متنوعی وجود دارد که در اینجا موضوع بحث ما نیست. در این مقاله موضوع اصلی، تربیت سیاسی، مبانی، اهداف و ویژگی‌های آن با توجه به نظام‌ها و نظریه‌های مختلف است که جامعه‌پذیری سیاسی یکی از پیامدها و نتایج آن تلقی می‌شود. باید گفت که جامعه‌پذیری سیاسی با مؤلفه‌های زیادی همچون زمینه‌های تاریخی و بلندمدت فرهنگ سیاسی در ارتباط و تربیت سیاسی یکی از مؤلفه‌های اثرگذار است. گاهی تأثیر زمینه‌های تاریخی بسیار بیش‌تر و عمیق‌تر از خود فرآیند تربیت سیاسی است (رنجبر، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

چرخش موضوع سیاست از تربیت به قدرت، باعث شده که قدرت سیاسی جایگزین تربیت سیاسی گردد. بنابراین همان گونه که در دوره مدرن، قدرت به عنوان موضوع محوری، جایگزین تربیت در مباحث سیاسی شده است. تربیت سیاسی نیز اهمیت و جایگاه خود را از دست داده و قدرت سیاسی جایگزین آن شده است. به عبارت دیگر در گذشته تربیت به عنوان موضوع محوری سیاست مطرح بوده است اما امروز، تربیت سیاسی از یک سو اهمیت گذشته خود را از دست داده است و از سوی دیگر، دچار استحاله معنایی شده است؛ امروزه تربیت سیاسی عمدتاً در محدوده معنای جامعه‌شناختی قرار دارد و مبتنی بر مباحث جامعه‌پذیری سیاسی است. در این معنا، شاخصه‌هایی برای تربیت سیاسی بیان می‌شود که نوعاً به معنای پذیرش ظاهری و تثبیت تدریجی اصول و قواعد سیاسی مندرج در قوانین مصوب بشری است؛ به گونه‌ای که فرد بتواند در فرآیند مشارکت سیاسی، نقش بیش‌تری ایفا نماید. درحالی‌که تربیت سیاسی در معنای فضیلت‌مدارانه، به پرورش معنوی و باطنی انسان‌های آزاد و با اراده نظر دارد که نه تنها تأثیر بسزایی در ساماندهی زندگی اجتماعی این جهان او دارد بلکه به هدفی والاتر چشم دوخته است که همان فراهم‌سازی مصالح و نیل به سعادت آن جهانی است. بنابراین، در تربیت سیاسی فضیلت‌مدارانه شاخصه‌هایی مورد بحث قرار می‌گیرد که بتواند رسیدن به چنین هدفی را فراهم سازد؛ درحالی‌که در دانش سیاسی رایج امروز، تربیت سیاسی بدین معنا چندان جایگاهی ندارد (عطاران، ۱۳۸۷: ۱۲).

منابع و راه‌های مؤثر بر تربیت سیاسی

تربیت سیاسی خود یکی از شاخصه‌های تربیت و تحت تأثیر عواملی است که بر تربیت مؤثر واقع می‌شود. منظور از عوامل تربیت سیاسی؛ عناصری است که به نحوی در نگرش، اندیشه و رفتار سیاسی فرد تأثیر می‌گذارد و خط‌مشی سیاسی او را شکل می‌دهد. تربیت و یادگیری به طور عام، و تربیت و یادگیری سیاسی به طور خاص، در سراسر زندگی از دوران کودکی و نوجوانی گرفته تا دوران بزرگ سالی جریان دارد. برخی از جامعه‌شناسان عوامل مؤثر در شخصیت سیاسی فرد را به دودسته تقسیم کرده‌اند. دسته نخست عوامل اولیه جامعه‌پذیری سیاسی است که در این بخش،

تماس‌های نزدیک و چهره به چهره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را محقق می‌کند. عواملی چون خانواده، گروه همسال و ... در این بخش می‌گنجد. دسته دوم، عواملی که تماس‌های چهره به چهره و نزدیک، نقش چندانی در آن ندارند. عواملی مانند: مدرسه، احزاب، رسانه‌های گروهی و ...

الف) دسته اول

۱- خانواده: نخستین ساختار تربیت‌پذیری سیاسی و جامعه‌پذیری است. البته باید توجه داشت که این نهاد امروزه اگرچه هنوز دارای نفوذی نیرومند و پایدار است اما در دنیای جدید، کارکردهای اجتماعی آن دستخوش تغییر گردیده است (عیسی‌نیا، ۱۳۸۷: ۶۳). خانواده اولین شناخت نظری و عملی را نسبت به اجتماع و سیاست، در کودک پدید می‌آورد. شکل‌دهی خانواده به نگرش‌ها و بینش‌های سیاسی، بسیار مهم و اساسی است. در تربیت سیاسی، وظیفه پدر در مورد تربیت فرزند در امور سیاسی این است که باید شاهد علاقه‌مندی پدر به امور سیاسی، مسائل مربوط به جامعه خودی و بشری باشد. شرکت در امور اجتماعی را وظیفه خود بداند و خود، تابعی ارزنده و درخور حیات اسلامی باشد. مسامحه و سهل‌انگاری در رابطه با سیاست موجب غفلت و بی‌خبری کودک در امور سیاسی خواهد شد (موسوی الیگودرزی، ۱۳۸۷: ۹۲). نقش خانواده در تربیت سیاسی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا بسیاری از مفاهیم و آموزه‌های سیاسی از دوران کودکی در درون خانواده نقش می‌بندد؛ بنابراین نوع نگاه والدین و میزان درک آنان، تأثیر بسزایی در تربیت سیاسی نسل بعد دارد. بری استیسی از جمله صاحب‌نظرانی است که اعتقاد دارد در خانواده‌ای که درباره مسائل آزادانه بحث می‌کنند، نوعی جامعه‌پذیری سیاسی شکل می‌گیرد که کودکان را به فراگیری شایستگی سیاسی و تعهدات مربوط به آن توانا می‌سازد (<http://ayaronline.ir>).

۲- گروه همسالان: حلقه‌های بازی دوستان و گروه‌های کاری. همسالان در نحوه انتقال تمرین و تثبیت اصول تربیت سیاسی بسیار نقش دارند. تحقیقات لایگلی نشان می‌دهد که داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می‌شود. وی نتیجه می‌گیرد بحث با دوستانی که به سیاست علاقه‌مند هستند یا به

فعالیت سیاسی می‌پردازند، می‌تواند در یادگیری فرد به فعالیت در امور سیاسی کمک کند (McClurg, 2003: 48-64). در تحقیقی تحت عنوان «مشارکت سیاسی جوانان» علاقه سیاسی را عاملی مهم برای شرکت در فعالیتهای سیاسی می‌داند. در تحقیق مورد اشاره به تفاوت فرهنگ‌های سیاسی سه دسته از کشورهای اروپایی نیز اشاره شده است. نتیجه تحقیق حاکی از آن بوده که کشورهای آلمان، دانمارک، هلند و تا حدودی انگلیس از فرهنگ مدنی پیشرفته‌تری برخوردار بوده‌اند. فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و بلژیک در گروه دیگر قرار گرفته‌اند. با توجه به مشارکت در انتخابات جمهوری فدرال آلمان از جمله کشورهایی بوده است که میزان مشارکت در انتخابات، در آن کشور نسبتاً بالا گزارش شده است. تفاوت میان کشورها را از نظر مشارکت سیاسی می‌توان تا حدودی به دلیل سنت‌های سیاسی فرهنگی و یا ملی آنان دانست (Gaiser & Rijike, 2008: 541-555).

ب) دسته دوم

۱) مراکز علمی - آموزشی (مدارس، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها): مراکز آموزشی، نقش مستقیم و آگاهانه را در تعلیم و تربیت ایفا می‌کنند و نقش بسزا در پرورش سیاسی دارند. از دیر ایام، این نکته مورد توجه بوده است «افلاطون» معتقد بود که تعلیم و تربیت، وسیله‌ای است که با آن زمامدار می‌تواند به‌منظور ایجاد دولت هماهنگ با طبیعت بشر، به نحو احسن استفاده کند. مرور زمان از نقش مراکز آموزشی در تربیت - و به‌ویژه تربیت سیاسی - نکاست بلکه نقش عمده‌تری پیدا کرد (<http://www.hawzah.net>).

تحصیلات به دلیل تغییراتی که در سطح آگاهی و توقعات اجتماعی و نوع شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی فرد ایجاد می‌کند، می‌تواند مهارت‌ها، انگیزه‌ها و نوع انتخاب افراد را متحول سازد. مطالعات نشان می‌دهد با افزایش تحصیلات میزان دانش سیاسی افراد به شدت افزایش می‌یابد (ایسپا گزارش، ۱۳۸۲: ۱۸۸).

۲) محیط اجتماعی: محیط اجتماعی فراتر از همسالان است که شامل مدرسه، حوزه، دانشگاه، اداره، شرکت و دیگر حوزه‌های کاری است. بینش‌دهی و برنامه‌ریزی غیرمستقیم در هر یک از محیط‌های مذکور می‌تواند در نحوه تربیت سیاسی بسیار مؤثر باشد. شهرنشینی و صنعتی شدن علاوه بر رشد طبقه متوسط، باعث افزایش رتبه کارگران

صنعتی می‌گردد که در مقام یک طبقه اجتماعی و اقتصادی هر روز بیشتر خودآگاهی پیدا می‌کند (بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۷۱). در مجموع شهرنشینی و صنعتی شدن به نحوی که نوع معیشت و مصرف جامعه دستخوش تغییر بنیادین گردد، از مشاغل کشاورزی کاسته و بر مشاغل صنعتی و خدماتی افزوده شود و طبقات جدید اجتماعی حول صنعتی شدن شکل گیرد از جمله عوامل مؤثر بر مشارکت است.

منظور از صنعتی شدن رشد اقتصادی است. وجه عمده این مؤلفه شهرنشینی است. در شهر است که مهارت‌های پیچیده و از جمله تربیت سیاسی و مشارکت سیاسی بیشتر یافت می‌شود. در چارچوب شهرها سواد عمومی و ارتباطات جمعی رشد می‌یابند. سواد پیش شرط لازم برای فعالیت سیاسی است و رسانه‌های همگانی رشد جمعیت با سواد را تسریع می‌نمایند. شرکت در ارتباطات جمعی و زندگی سیاسی از همین تحول ناشی می‌شود و این مشخصه جوامع مدرن است (ربیعی، ۱۳۸۰: ۱۰۹-۱۰۷).

۳) رسانه‌ها: درباره منع بودن رسانه برای تربیت سیاسی همین بس که اذعان نمایم، نسل امروز، فرزندان وسایل ارتباطی، تصاویر و پیام‌های بازرگانی و... هستند؛ امام خمینی، به اهمیت ابزارهای اطلاع‌رسانی نوین وقوف داشتند و در میان ابزارهای سمعی و تصویری، بر نقش رادیو - تلویزیون - تأکید فراوان‌تر مبذول کردند. به نظر ایشان، نقش اساسی این دستگاه در نوع تربیت سیاسی و هم‌چنین فراگیری و گستره انحا ایجاب می‌کند که با عنایت و توجه بیشتری در اداره آن صورت گیرد: «اهمیت رادیو و تلویزیون بیشتر از همه است». این دستگاه‌ها، دستگاه‌های تربیتی است. باید تمام اقشار ملت با این دستگاه‌ها تربیت شوند <http://www.hawzah.net>.

رابطه رسانه‌ها و سیاست از موضوعات محوری در ارتباطات سیاسی است. گاهی حتی رسانه‌ها معادل سیاست تصور می‌شوند. این امر به ماهیت ارتباطات مربوط می‌شود که امروزه از عناصر اساسی سیاست و قدرت محسوب می‌شود. برخی معتقدند که قدرت ارتباطی نوعی قدرت سیاسی است. تصاحب رسانه‌ها یعنی داشتن این قدرت که تضمین کنیم اکثریت مردم چه ببینند، چه بشنوند و چه بخوانند و چه بنویسند چه بگویند و درباره چه چیزی بحث کنند (تاج‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۶). از مهم‌ترین تأثیرات رسانه‌ها، آثار سیاسی آن‌هاست. رسانه‌ها با دادن اطلاعات و آگاهی‌های لازم به افراد و

نیز با برانگیختن احساسات ملی گرایانه، مذهبی، قومی و حتی منافع فردی و صنفی افراد جامعه بر میزان مشارکت انتخاباتی و بر رفتار رأی دهی آن‌ها تأثیر گذاشته و آن‌ها را ترغیب به مشارکت می‌نمایند؛ بنابراین یکی از وظایف عمده رسانه‌های جمعی تبلیغات سیاسی و انتخاباتی است. تبلیغات سیاسی از طریق رسانه‌های همگانی در حوزه‌های پایین جامعه تا حدی مؤثر است، ولی این تأثیر بیشتر در هدایت نیازهای موجود نمود پیدا می‌کند تا اینکه بتواند در ایجاد نیازهای جدید مؤثر باشد (عسگری تلاوت، ۱۳۸۲: ۶۱-۵۸).

۴) دولت: باید توجه داشت که دولت به عنوان عالی‌ترین نهاد اجتماعی، مهم‌ترین منبع تدوین و قواعد و اجرای تصمیم‌ها و تخصیص ارزش‌های مادی و معنوی به شمار می‌آید، دولت‌ها ظرفیت فزاینده‌ای برای بازتولید و انتشار ارزش‌های سیاسی و تأثیر بر روی زندگی سیاسی دارند (عیسی‌نیا، ۱۳۸۷: ۶۳). حکومت و یا دولت، اهداف متعددی را عهده‌دار است و فقط به مسائل مادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه از مهم‌ترین وظایف حکومت، کمک و زمینه‌سازی برای تعلیم حکمت و دانش، و ابلاغ و اجرای معارف دینی و عقلانی است که تماماً مربوط به حوزه تربیتی و هدایتی انسان می‌شود. دولت از دیدگاه قرآن کریم، مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد هدایت و تربیت افراد به سوی خیر و صلاح است؛ چون مردم هر جامعه‌ای به امام و رهبر خویش اقتدا می‌کنند (اسراء ۷۱).

از مهم‌ترین ساختارهای مؤثر بر فعالیت سیاسی ساختار دولت است. در واقع ساختار دولت موقعیت‌های مشارکت و فعالیت سیاسی را برای افراد فراهم می‌آورد (نوریس، ۲۰۰۲: ۱). مطالعات اخیر نشان می‌دهد تفاوت در مشارکت کشور به کشور است تا فرد به فرد. در دیدگاه‌هایی که بر اعتماد سیاسی تأکید دارند هرگاه فرد یا افراد به دولت حاکم اعتماد داشته باشند، آن‌گاه احساس می‌کنند در ساختار تصمیم‌گیری می‌توانند به ابراز عقیده خود بپردازند و براساس اطمینان و اعتماد دست به رفتار انتخاباتی می‌زنند. برخی از محققان اعتماد را حاصل ضرب اعتماد به دولت و اعتماد به نفس سیاسی می‌دانند. از نظر آنان هرچه حاصل ضرب فوق بیشتر باشد رفتار مشارکت‌جویانه نیز بیشتر خواهد بود و ضریب منفی آن باعث رفتار انزواجویانه خواهد شد (باندورا، ۱۹۸۲: ۹۴۷).

۵) خصلت‌های فردی: گونه‌های مختلفی از شخصیت و خصلت‌های رفتاری وجود

دارد که شناخت هر یک، تأثیر بسزایی در برنامه‌ریزی تربیت سیاسی افراد دارد. به‌عنوان نمونه، برخی از افراد به لحاظ خصلت‌های فردی ذاتاً انزواطلب و اجتماع‌گریزند و برخی دیگر، اجتماعی و پرتحرک‌اند. بنابراین در تربیت سیاسی نمی‌توان یک الگوی ثابت برای همه مردم در نظر داشت. بلکه متناسب با خصلت‌های فردی، باید گونه‌های مختلفی از تربیت سیاسی را تعریف کرد. در روانشناسی، شخصیت مفهوم مرکزی است، از این دیدگاه شخصیت تعیین‌کننده گرایش و جهت‌گیری سیاسی در افراد است. همانند بیشتر مفاهیم حوزه علوم انسانی، تعریف واحدی از مفهوم شخصیت ارائه نشده است. شخصیت در یک تعریف الگوهای مشخص رفتار (اعم از افکار و هیجانات) است که سازگاری هر فرد را در مقابل محیط زندگی‌اش مشخص می‌سازد. رایزمن (۱۹۵۰) به سه نوع شخصیت در دنیای جدید اشاره کرده است: اول شخصیتی که سنت‌ها راهنما و رهبر اوست و بی‌اندیشه و چون و چرا مقررات و نظام‌های دیرین جامعه و فرهنگ خود را می‌پذیرد. چنین شخصیتی مظهر جامعه کهنه‌پرست است. نوع دوم شخصیتی است که خودهدادی خویش است و از کودکی چنان پرورش یافته که خود راه خویش را یافته و بر اعمال خود تسلط دارد. اما نوع سوم شخصیت است که به نظر رایزمن تا حدی معرف شخصیت افراد در جوامع پیشرفته جدید است از دیگران و همگنان رهبری می‌جوید و سرمشق و دستور می‌خواهد. رایزمن معتقد است بالاترین میزان مشارکت در میان نوع دوم شخصیت، یعنی شخصیت خود فرمان وجود دارد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۵).

سن: رابطه سن با تربیت سیاسی و فعالیت سیاسی و خصوصاً مشارکت در انتخابات تقریباً در بیشتر کشورها الگوی یکسانی دارد. شاید بتوان گفت، متغیری که با سن در ارتباط است، متغیر «تجربه» است (راش، ۱۳۷۷: ۱۰۰). تفاوت رفتار سیاسی را می‌توان برخاسته از تفاوت تجربه رویدادها و برآیند عاملی بیرونی و به‌طور مشخص، محیط دانست. بروز رویدادهای سرنوشت‌سازی که یک نسل را تحت تأثیر قرار داده، ضمن اثرگذاری پایدار بر یک نسل خاص و همانندسازی و همگون‌سازی، با شکل دهی و ایجاد رفتارهای خاص، آن‌ها را از دیگر نسل‌ها متمایز می‌سازد. تفاوت رفتار افرادی که در سال‌های نخستین زندگی سیاسی خود با پوشش تلویزیونی، وارد فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی شدند و آن‌ها که با ابزارهای دیگری چون اینترنت وارد این فرآیند

شدند، مسائلی چون شغل و ازدواج با افزایش سن، تأثیر مسائلی فوق العاده چون جنگ‌ها و انقلاب‌ها از عوامل تأثیرگذاری محیط بر رفتار سیاسی می‌باشد. بنابراین، سن تنها فرصت‌سازی می‌کند و فرصت‌هایی برای تازه‌ترها پدید می‌آورد که ممکن است برای نسل‌های گذشته فراهم نکرده باشد و بسته به نحوه برخورد با این فرصت‌ها، رفتارها تفاوت می‌نمایند. تجربه صرفاً به رویدادهای بزرگ و قابل توجه سیاسی محدود نمی‌شود و ممکن است حوادث روزمره سیاسی را نیز شامل شود. برای مثال شرکت در انتخاباتی که برای فرد نتیجه آن مطلوب بوده می‌تواند برای احتمال شرکت وی در انتخابات بعدی تأثیر گذارد.

۶) وضع اقتصادی

هر چه مردم به لحاظ اقتصادی در وضعیت مطلوب و باثباتی قرار داشته باشند، تربیت سیاسی آنان نیز آسان‌تر و سریع‌تر انجام می‌پذیرد. میزان سواد و آگاهی مردم نیز از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تربیت سیاسی است. جامعه‌ای که مردمان آن از آگاهی‌های لازم برخوردار باشند به تناسب، مؤلفه‌های تربیت سیاسی، سریع‌تر و آسان‌تر تحقق می‌پذیرد (رضوانی، ۱۳۸۷:۲۱). معمولاً طبقات بالا که در وضعیت مالی بهتری قرار دارند احساس اثربخشی بیشتری دارند. طبقات پایین‌تر تمایل دارند که قدرت خویش را با قدرت طبقات بالاتر مقایسه کنند و بدین ترتیب احساس حقارت اجتماعی می‌کنند و اثربخشی خود در زندگی سیاسی را در سطح کمتری می‌بینند (محسنی تهریزی، ۱۳۸۳ به نقل از لین، ۱۹۵۹: ۱۵۵).

مایکل راش معتقد است رابرت لین نقشی را که مشارکت سیاسی ممکن است برای فرد ایفا کند به خوبی خلاصه کرده است: وسیله دنبال کردن نیازهای اقتصادی، ارضای نیاز به سازگاری اجتماعی، وسیله دنبال کردن ارزش‌های معین و وسیله برآوردن نیازهای ناخودآگاه و روانشناختی. در این زمینه، هم در نظر گرفتن کسانی که از لحاظ سیاسی مشارکت می‌کنند مهم است و هم افرادی که مشارکت نمی‌کنند. عدم دخالت در سیاست به شیوه‌های گوناگون به بی‌تفاوتی، بدبینی، بیگانگی و بی‌هنجاری نسبت داده شده است، اما باید میان این حالت‌های ذهن تمایز برقرار کرد (راش ۱۳۷۷: ۱۴۲).

۷) دین و مذهب

واضح است که هر مکتبی که دارای بعد سیاسی باشد طبیعتاً باید دارای روش تربیتی باشد که نیروهای سیاسی مورد نیاز خودش را آن گونه که بر طبق آن بیندیشند، تصمیم بگیرند و عمل کنند، تربیت کند و مکاتبی که از چنین مزایایی برخوردار نیستند ناقص و ابتدایی خواهند بود. اسلام به عنوان مکتبی که علاوه بر ابعاد گوناگون، بعد سیاسی هم دارد، طبیعتاً روش خاصی هم برای تربیت نیروهای مورد نظر خودش دارد (<http://javanonline.ir/fa/news>). در مورد نقش و جایگاه مذهب در جوامع دو دیدگاه متناقض وجود دارد. برخی بر این ادعا هستند که با توجه به روند سکولار شدن زندگی اجتماعی مذهب محکوم به فنا است. از دیدگاه دیگر این روند در حقیقت به معنای نابود شدن مذهب نیست بلکه حکایت از تغییر شکل آن دارد (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۲۱). اینگلهارت این نظر که ارزش های مادی در جوامع صنعتی جایگزین جهان بینی های معنوی و مذهبی شود را نمی پذیرد و معتقد است در بلندمدت انتقال به جامعه «ما بعد صنعتی» موجب تأکید مجدد بر ارزش های معنوی می شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۰۱). مذهب و سیاست پیوندی دیرینه و دوجانبه دارند، ضمن آنکه نوع رابطه و میزان اثر گذاری هر یک بر دیگری پیچیده است. این رابطه به تعداد رجال دین و سیاست و تفسیر آن ها از حدود و نحوه ارتباط هر حوزه، متنوع می باشد. ضمن آنکه میزان پابندی افراد به مذهب و گرایش به اصول و آموزه های آن مذهب متفاوت است. میزان تعهد افراد به مذهب در نوع و میزان انطباق رفتارهای سیاسی ایشان با آموزه های مذهبی نقش مستقیم و مؤثری دارد. به نظر می رسد دخالت متغیرهای فراوان و تغییر رفتار سیاسی نیروهای مذهبی و غیر مذهبی در قبال رویدادهای مختلف سیاسی بیانگر اثرپذیری عامل مذهب از عوامل دیگر در فرآیند اثرگذاری بر سیاست است و لذا در تفسیر داده های مربوط به نقش مذهب در رفتار سیاسی باید به این امر توجه نمود.

اهداف تربیت سیاسی

با توجه به توضیحاتی که در مورد ارتباط و پیوند سیاست و تربیت داده شد، اهداف تربیت در درون نظام های سیاسی مختلف با توجه به نظام ارزشی حاکم در دولت و

حکومت متفاوت است. همان‌طور که «ریچارد رُرتی» می‌نویسد: «در اغلب جوامع به جوانان گوسزد می‌شود که جامعه آنان نه‌تنها یکی از بهترین جوامعی است که ساخته شده، بلکه جامعه‌ای است که تجسم خرد و حقیقت است». این ویژگی کم‌وبیش در همه جوامع و همه دوره‌ها مشاهده می‌شود. از سوی دیگر، اهداف تربیت سیاسی با مؤلفه‌های متعددی چون فرهنگ، تاریخ، اجتماع و به‌ویژه سیاست و دولت پیوند دارد. این پیوند در آثاری که در این زمینه منتشر شده و سیاست‌هایی که در این زمینه اعمال می‌شود، کاملاً قابل مشاهده است. به‌طورکلی بین ساختار دولت و نظام تربیتی و اهداف آن پیوند وجود دارد. در یک جامعه ساده، نقش دولت آن است که از تربیت اعضای خود به شیوه پدران آنان اطمینان حاصل کند. در اینجا نقش دولت، تهیه مقدمات برای نوعی هماهنگی در رسوم اخلاقی و رفتار، فعالیت و اندیشه است. اما در جوامع پیشرفته، موضوع فرآیند اجتماعی‌شدن بسیار پیچیده است. در هر حال می‌توان گفت که هدف نهایی از تربیت سیاسی در هر جامعه‌ای، جامعه‌پذیری سیاسی و تداوم ارزش‌ها در بین نسل‌ها است که در خلال آن فرآیند انتقال ارزشی از بالا به پایین امکان‌پذیر می‌شود. در عین حال، هدف از پرورش و تربیت سیاسی، یادگیری تلاش‌ها و رفتارهای سیاسی خاصی است که در واقع هر نظام سیاسی، از افراد جامعه خود انتظار دارد. بر این اساس، اهداف تربیت سیاسی تحت‌الشعاع ساختار نظام سیاسی از یک‌سو و فرهنگ سیاسی جامعه از سوی دیگر است. به‌طورکلی در این موضوع تردیدی نیست که گرایش و رفتارهای افراد در حوزه سیاست اعم از نوع نگرش به شخصیت‌های سیاسی، نظام سیاسی، آرایی که در صندوق‌ها می‌ریزند، و مواضع سیاسی که در پیش می‌گیرند تحت‌الشعاع نظام ارزشی سیاسی آن افراد است و در واقع هدف از تربیت سیاسی در درون هر نظام ساختن شخصیت سیاسی متناسب با آن نظام در جامعه است. در نتیجه، با توجه به نظام‌های سیاسی مختلف و همین‌طور نظریه‌های مختلف، اهداف تربیت سیاسی هم متفاوت می‌شود. در درون هر ساختار سیاسی با اهداف متفاوتی از تربیت سیاسی مواجه هستیم؛ در درون نظام‌های دموکراتیک، هدف از تربیت سیاسی علاوه بر ایجاد وفاداری نسبت به ارزش‌های نظام سیاسی دموکراتیک، القا و عمومیت بخشیدن به روش‌های دموکراتیک در زندگی عمومی است. تربیت سیاسی در این رژیم به دنبال ایجاد نظر مثبت درباره نظام سیاسی، ایجاد

حس استقلال فردی و خودمختاری فکری و رویکرد نقادانه در زندگی سیاسی نیز است؛ رژیم دموکراتیک تلاش می‌کند تا به‌طور واقعی استعداد های افراد انسانی در زمینه‌های مختلف شکوفا شود و دولت مانعی بر سر راه این شکوفایی استعداد های مختلف از طریق تحمیل و اجبار یک خط‌مشی فکری نباشد (رنجبر، ۱۳۸۷: ۱۶۱).

روش پژوهش

هدف اصلی و کلی این مقاله بررسی عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی شهروندان شیراز است. برای تعیین عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه در منطقه یک شهر شیراز مورد مطالعه صورت گرفت. در این مطالعه از افراد پاسخگو خواسته شد به عوامل مؤثر در تربیت سیاسی خود براساس طیف لیکرد پاسخ دهند. برای سنجش پایایی سؤالات پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار پایایی برای هر یک از متغیرها (دولت ۰.۷۴، رسانه‌ها ۰.۷۵، وضعیت اجتماعی اقتصادی ۰.۸۰، دین و مذهب ۰.۷۰، خصلت‌های فردی ۰.۷۲، مراکز علمی ۰.۷۴، اجتماع ۰.۷۶) به‌دست آمده است. جامعه آماری این پژوهش، تمام شهروندان بالای ۱۸ سال در منطقه یک شیراز است.

روش تعیین حجم نمونه

برای محاسبه حجم نمونه مورد نیاز پژوهش از فرمول کوکران استفاده شده است و در نرم‌افزار اکسل، میزان حجم نمونه محاسبه شد که برای جامعه آماری بالای ۱۸ سال منطقه یک با ۲۰۱۶۱۳ نفر جمعیت حجم نمونه نیز ۳۲۱ نفر تعیین شده است. بنابراین جهت محاسبه حجم نمونه مورد نیاز برای پژوهش از رابطه شماره (۱) استفاده گردیده است. که در آن:

P : برآورد نسبت صفت متغیر، مقدار P برابر با $0/5$ در نظر گرفته شده است $0/5 = P$. هنگامی که $P = 0/5$ باشد، n حداکثر مقدار ممکن خود را پیدا می‌کند. این امر سبب می‌شود که نمونه به حد کافی بزرگ باشد.

t : مقدار متغیر نرمال واحد، متناظر با سطح اطمینان ۹۵ درصد، $(t = 1/96)$

q: برابر با ۰/۵

N: حجم جامعه محدود و برابر با ۲۰۱۶۱۳ نفر

d: برابر با ۰/۰۵

رابطه (۱):

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

بنابراین حجم نمونه مورد نیاز پژوهش بر اساس رابطه شماره ۲ عبارت است از:
رابطه (۲)

$$N = \frac{\frac{(1/96)^2 (0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{201613} \left(\frac{(1/96)^2 (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right)} = 321$$

منطقه یک شهرداری شیراز

منطقه یک شهرداری شیراز، بخش عمده‌ای از شمال، مرکز و شمال غرب را دربرمی‌گیرد. این منطقه از جنوب با منطقه ۴ از شرق با مناطق ۳،۲ و ۸ و از شمال غربی با منطقه ۶ هم‌جوار می‌باشد، مرزهای منطقه از جنوب به خیابان هنگ و بلوار پاسداران، چهار راه گاز و همت جنوبی از غرب به مرزهای جبل دراک تا فلکه احسان و محور معالی آباد از شرق به خیابان حر، خیابان سعدی بخشی از خیابان زند و خیابان انقلاب تا باسکول نادر و از شمال به محدوده خدماتی طرح تفصیلی ۷۴ محدود می‌گردد. شهرداری منطقه یک در سال ۱۳۵۹ تأسیس گردیده است و تاکنون ۱۵ نفر در سمت شهردار در این منطقه انجام وظیفه کرده‌اند. مساحت کنونی منطقه ۳۰۸۵ هکتار می‌باشد که این مساحت جمعیت ۲۰۱۶۱۳ نفری (آمار سال ۹۰) نفر تعداد خانوار ساکن در منطقه نیز ۶۶۵۸۳ نفر می‌باشد. قابل ذکر است که برآورد جمعیت با نرخ ۱/۴۴۸ محاسبه شده است.

ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی منطقه یک

کمتر بودن میزان بعد خانوار نسبت به سایر مناطق پرتراکم شهری، متناسب بودن تراکم خالص و ناخالص جمعیتی منطقه، نقش عمده فعالیت در زمینه خدماتی و تجاری با شعاع عملکرد شهری، وجود مهم‌ترین کانون‌ها و مراکز مدیریتی، آموزش عالی، بهداشتی و درمانی، دفاعی، تأمین اجتماعی و ... در منطقه، استقرار فعالیت‌های با شعاع عملکرد شهری و حضور فعالیت‌های برتر در منطقه، دارا بودن کمترین نرخ بیکاری و بیشترین درصد شاغلین در بین شاغلین شهری شیراز، بالا بودن شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی نسبت به سایر مناطق شهری، وجود محورهای تفریحی - خدماتی در منطقه (محور چمران، باغ ارم و ...)، وجود راسته‌های قوی تجاری در منطقه، بالا بودن نرخ مشارکت در منطقه.

ویژگی‌های کالبدی منطقه یک

وجود محورهای اصلی و استخوان بندی شهر در منطقه (زند، قصر دشت، چمران، پاسداران و ...)، حضور فضاهای شهری قابل توجه در منطقه، بافت‌های مسکونی ارزشمند در منطقه، عبور مترو از منطقه، وجود سه پارک عمده و بزرگ شهر همچون پارک آزادی، بوستان ولیعصر، و پارک بلوار چمران در منطقه (با حدود ۱۷ ایستگاه) وجود دارد (تفرجی، سیاهویی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷).

تعریف عملیاتی از شاخص‌ها و متغیرها برای رفع ابهام (بر طبق سؤالات پرسشنامه)

خصلت‌های فردی: امتیازی که برای شاخص خصلت‌های فردی با دو متغیر (کنجکاوی و سن) در پرسشنامه تعیین عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی شهروندان به دست آمد ۳/۷۳ بود. منظور از متغیر کنجکاوی میزان علاقه و تمایل فرد به پیگیری و آگاه شدن از مسائل سیاسی است.

اسلام: نمره‌ای که برای شاخص اسلام با دو متغیر «مسجد و قرآن» در پرسشنامه تعیین عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی شهروندان به دست آمد ۳/۳۱ بود. بدین صورت که میزان تأثیر قرآن و مسجد (خطبه‌های نماز جمعه) در افزایش تربیت سیاسی افراد چه میزان بوده است.

وضعیت اجتماعی و اقتصادی: نمره‌ای که برای شاخص وضعیت اجتماعی و اقتصادی با متغیرهای «سواد، درآمد و شغل» در پرسشنامه تعیین عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی شهروندان به دست آمد ۳/۰۳ درصد بود که کمترین تأثیر را بر تربیت سیاسی داشت. منظور از سواد علم و دانش فرد در مورد مسائل سیاسی می‌باشد و اینکه سواد چقدر در تربیت سیاسی فرد مؤثر بوده است.

رسانه‌ها: نمره‌ای که برای شاخص رسانه‌ها با سه متغیر شبکه‌های اجتماعی، تلویزیون و رادیو و روزنامه‌ها در پرسشنامه تعیین عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی شهروندان به دست آمد ۳/۷۹ بود که بیشترین تأثیر را بر تربیت سیاسی داشته است. منظور از شبکه‌های اجتماعی تلگرام، واتساپ، اینستاگرام و ... بوده و منظور از متغیر تلویزیون شامل شبکه‌های تلویزیونی داخلی و خارجی می‌باشد.

مراکز علمی: نمره‌ای که برای شاخص مراکز علمی با متغیرهای مدارس، دانشگاه‌ها (کتاب‌های درسی، اساتید، همایش‌ها) در پرسشنامه تعیین عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی شهروندان به دست آمد ۳/۳۲ بود.

اجتماع: نمره‌ای که برای شاخص اجتماع با متغیرهای خانواده و همسالان، در پرسشنامه تعیین عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی شهروندان به دست آمد ۳/۰۵ بوده است.

دولت: نمره‌ای که برای شاخص دولت بر اساس تحلیل پرسشنامه به دست آمد ۳/۵ درصد بوده است. اینکه دولت (احزاب، سفرهای استانی رئیس جمهور، کرسی‌های آزاداندیشی) چه میزان در تربیت سیاسی افراد مؤثر بوده است.

یافته‌های توصیفی

در جدول شماره یک، مشخصات جمعیتی و اجتماعی پاسخگویان توضیح داده شده است. که شامل جنس، تحصیلات و شغل پاسخگویان می‌باشد.

جدول شماره (۱) توزیع فراوانی جنسیت، تحصیلات، و شغل

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۱۹۶	۶۱/۰۵
	زن	۱۲۵	۳۸/۹۴

۱۰۰	۳۲۱	جمع ۳۲۱	
۱۳/۳۹	۴۳	زیر دیپلم	تحصیلات
۲۰/۵۶	۶۶	دیپلم	
۳۹/۲۵	۱۲۶	کارشناسی	
۲۳/۹۸	۷۷	کارشناسی ارشد	
۲/۸۰	۹	بالا تر	
۱۷/۴۴	۵۶	کارمند	شغل
۳۴/۲۶	۱۱۰	آزاد	
۳۶/۴۴	۱۱۷	دانشجو	
۱۱/۸۳	۳۸	بیکار	

در جدول شماره یک، یافته‌های توصیفی نشان داد که ۱۹۶ نفر (۶۱/۰۵ درصد) پاسخگویان مرد و ۱۲۵ نفر (۳۸/۹۴ درصد) آنان زن بوده‌اند. سطح تحصیلات پاسخگویان متفاوت و بیشترین فراوانی متعلق به افراد با مدرک کارشناسی با فراوانی ۱۲۶ و ۳۹/۲۵ درصد بوده و در مورد مراتب شغلی بیشترین فراوانی (۱۱۷ نفر) مربوط به دانشجویان یعنی ۳۶/۴۴ درصد بوده است.

برای بررسی میزان اثرگذاری هر یک از متغیرها یا شاخص‌ها از آزمون میانگین تک‌نمونه‌ای استفاده شده است زیرا مقدار میانگین سؤالات دلیل بر تأثیرگذاری متغیرها بر تربیت سیاسی دارد (با توجه به طراحی پرسشنامه هر چه پاسخ‌ها متمایل بر گزینه زیاد یا خیلی زیاد بوده است نشانگر تربیت سیاسی بالا و هر چه انتخاب گزینه‌ها به سمت کم و خیلی کم بوده، نشانگر تربیت سیاسی پایین بوده است)، لذا میزان میانگین امتیاز متغیرها یا شاخص‌ها محاسبه شده است، بدین معنی که اگر در یک تحقیق از مقیاس ترتیبی لیکرت پنج‌تایی (از خیلی کم تا خیلی زیاد یا قویاً مخالف تا قویاً موافق) استفاده شده باشد، می‌توان از یک سیستم کد دادن با تخصیص عدد ۱ تا ۵ می‌توان از آزمون ذکر شده استفاده نمود. بر اساس آزمون Student-t تمایل پاسخ‌ها از حد وسط گزینه‌ها آزمون گردیده است. بنابراین میزان آماره t که براساس کسری از میانگین بر انحراف معیار به دست آمده است، می‌تواند معیاری برای اثرگذاری متغیرهای مؤثر بر تربیت سیاسی از دیدگاه شهروندان شیراز باشد. بنابراین در جدول شماره دو، میزان

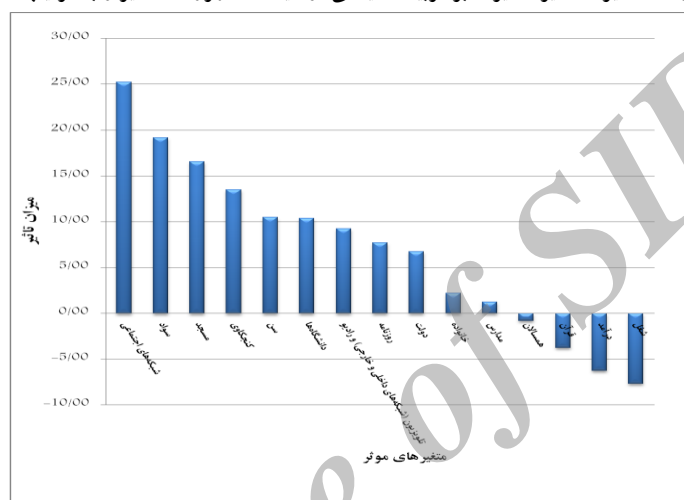
اثر بخشی و تأثیر عوامل مختلفی چون خصلت های فردی، اسلام، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، رسانه ها، مراکز علمی، اجتماع و دولت بر تربیت سیاسی افراد پاسخگو نشان داده شده است.

جدول شماره (۲) میزان تأثیر متغیرهای مؤثر بر تربیت سیاسی از دیدگاه شهروندان شیراز

آزمون t			فراوانی						متغیرها	شاخص ها
مقدار t	انحراف معیار	مقدار میانگین	تعداد	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۱۳/۴۶	۱/۰۵	۳/۷۹	۳۲۱	۹۵	۱۰۶	۹۲	۱۴	۱۴	کنجکاوی	خصلت های
۱۰/۴۸	۱/۱۷	۳/۶۹	۳۲۱	۷۸	۱۴۸	۳۴	۳۸	۲۳	سن	فردی
۱۶/۵۳	۰/۹۴	۳/۸۶	۳۲۱	۹۸	۱۰۰	۱۰۸	۱۱	۴	مسجد	اسلام
-۳/۷۸	۱/۰۶	۲/۷۸	۳۲۱	۹	۷۰	۱۳۸	۴۸	۵۶	قرآن	
۱۹/۱۵	۰/۹۶	۴/۰۳	۳۲۱	۱۳۰	۸۹	۹۰	۶	۶	سواد	وضعیت
-۶/۲۸	۱/۳۶	۲/۵۲	۳۲۱	۴۲	۳۶	۶۴	۸۵	۹۴	درآمد	اجتماعی و
-۷/۶۹	۱/۰۲	۲/۵۶	۳۲۱	۱۵	۱۹	۱۶۱	۶۲	۶۴	شغل	اقتصادی
۹/۲۴	۱/۱۷	۳/۶۰	۳۲۱	۸۹	۸۴	۱۰۰	۲۷	۲۱	تلویزیون (شبکه های داخلی و خارجی) و رادیو	رسانه ها
۷/۶۸	۱/۰۱	۳/۴۳	۳۲۱	۵۲	۹۸	۱۱۷	۴۵	۹	روزنامه	
۲۵/۲۱	۰/۹۵	۴/۳۴	۳۲۱	۱۹۶	۶۰	۴۳	۲۲	-	شبکه های اجتماعی	
۱۰/۳۵	۰/۹۵	۳/۵۵	۳۲۱	۵۸	۹۸	۱۳۹	۱۵	۱۱	دانشگاه ها	مراکز علمی
۱/۲۴	۱/۳۰	۳/۰۹	۳۲۱	۶۴	۵۷	۸۳	۷۸	۳۹	مدارس	
۲/۱۷	۱/۲۳	۳/۱۵	۳۲۱	۳۷	۱۰۹	۹۱	۳۳	۵۱	خانواده	اجتماع
-۱/۸۳	۱/۱۵	۲/۹۵	۳۲۱	۴۱	۴۲	۱۳۴	۶۷	۳۷	همسالان	
۶/۷۱	۱/۳۲	۳/۵۰	۳۲۱	۱۰۷	۴۹	۹۰	۴۶	۲۹	دولت	دولت

جدول شماره (۲) میزان تأثیر عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی از دیدگاه شهروندان شیراز نشان داده شده است. متغیرهای ذکر شده به ترتیب میزان اثرگذاری مرتب شده و در نمودار زیر ترسیم شده است:

شبکه‌های اجتماعی، سواد، مسجد و کنجکاوی جز مؤثرترین شاخص‌ها بر تربیت سیاسی از دیدگاه شهروندان بوده و شغل، درآمد، قرآن و همسالان کمترین تأثیر را بر تربیت سیاسی از دیدگاه شهروندان شیراز داشته‌اند (یا بی‌تأثیر بوده‌اند). نمودار شماره (۱) میزان تأثیر متغیرها بر تربیت سیاسی از دیدگاه شهروندان شیراز به ترتیب تأثیرگذاری



بر اساس معیار آزمون عوامل را می‌توان به دو گروه تأثیرگذار و بدون تأثیر تقسیم‌بندی کرد که در ادامه این دو گروه ارائه شده است:

الف- متغیرهای تأثیرگذار عبارتند از: شبکه‌های اجتماعی، سواد، مسجد و کنجکاوی، سن، دانشگاه، تلویزیون و روزنامه و دولت.

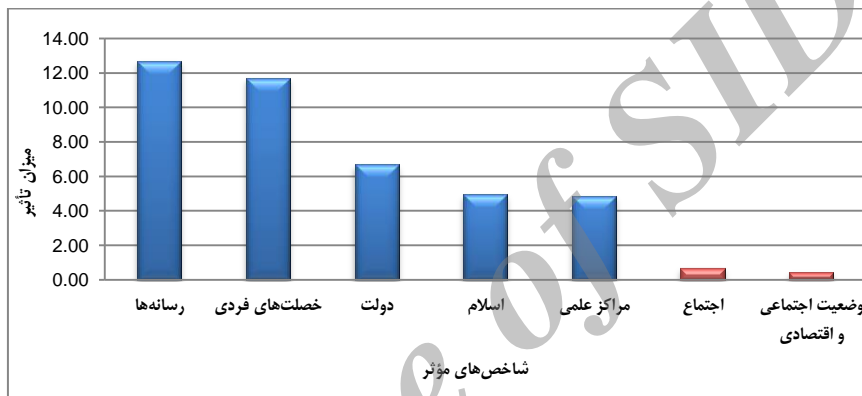
ب- متغیرهای بی‌تأثیر عبارتند از: شغل، درآمد، قرآن، همسالان، مدارس و خانواده.

جدول شماره (۳) میزان تأثیر شاخص‌های مؤثر بر تربیت سیاسی از دیدگاه شهروندان شیراز

شاخص	مقدار میانگین	انحراف معیار	مقدار t
وضعیت اجتماعی و اقتصادی	۳/۰۳	۱/۳۳	۰/۴۶
اجتماع	۳/۰۵	۱/۱۹	۰/۷۰
مراکز علمی	۳/۳۲	۱/۱۷	۴/۸۸
اسلام	۳/۳۱	۱/۱۴	۴/۹۵
دولت	۳/۵۰	۱/۳۲	۶/۷۱
خصیلت‌های فردی	۳/۷۳	۱/۱۲	۱۱/۷۲
رسانه‌ها	۳/۷۹	۱/۱۲	۱۲/۷۰

رسانه‌ها با مقدار معیار آزمون T استودنت ۱۲/۷۰ در رده اول تأثیرگذاری و پس از آن خصلت‌های فردی با میانگین ۱۱/۷۲ و سپس دولت با مقدار ۶/۷۱ و در ادامه اسلام با مقدار ۴/۹۵ در نهایت مراکز علمی با مقدار ۴/۸۸ در مراحل بعدی قرار دارند. دو شاخص اجتماع با مقدار ۰/۷۰ و وضعیت اجتماعی و اقتصادی با مقدار ۰/۴۶ در تربیت سیاسی تأثیری نداشته‌اند.

نمودار شماره (۲) میزان تأثیر شاخص‌ها بر تربیت سیاسی از دیدگاه شهروندان شیراز به ترتیب تأثیرگذاری



نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابتدا به معنا و مفهوم تربیت، سیاست و تربیت سیاسی پرداخته شد و عمده‌ترین اهداف، اصول و روش‌های تربیت سیاسی توضیح داده شد. برای آزمون و تأیید مباحث نظری، پرسشنامه‌ای تدوین شد و به صورت تصادفی در اختیار بعضی شهروندان منطقه یک شهر شیراز قرار گرفت در این پرسشنامه عواملی مثل تحصیلات و شغل در نظر گرفته شده است. پرسشنامه حاوی ۱۵ سؤال تخصصی تعیین مهم‌ترین عامل در تربیت سیاسی بر مبنای طیف پنج درجه‌ای لیکرت می‌باشد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که از نظر پاسخگویان در این پژوهش، شاخص‌ها تأثیری متفاوت بر تربیت سیاسی از دیدگاه شهروندان شیراز داشته‌اند برای نمونه متغیر مسجد (از شاخص اسلام) تأثیرگذار بر تربیت سیاسی و متغیر قرآن (از شاخص اسلام) بی‌تأثیر بوده است، لذا متغیرهای تشکیل دهنده بر تربیت سیاسی به دو گروه تأثیرگذار و بی‌تأثیر

تقسیم شده است:

الف- متغیرهای تأثیرگذار عبارتند از: شبکه‌های اجتماعی، سواد، مسجد و کنجکاوی، سن، دانشگاه، تلویزیون و روزنامه و دولت.

ب- متغیرهای بی‌تأثیر عبارتند از: شغل، درآمد، قرآن، همسالان، مدارس و خانواده. دقت در آنچه به‌عنوان مبانی و اصول و راه‌ها و اهداف تربیت سیاسی در این پژوهش تدوین شده است توجه به موارد زیر را ضروری می‌سازد:

۱- امروزه در کشور ما تربیت سیاسی می‌تواند ساختاری قوی و نیرومند در تعلیم و تربیت، به‌خصوص در زمینه تربیت کارگزاران شایسته و ایجاد حس مشارکت در مردم و مسئولیت‌پذیری آن‌ها در برابر وضعیت سیاسی و اجتماعی بسیار مؤثر و راهگشا باشد. لذا توجه بیش‌ازپیش مسئولان به این مسئله ضرورت دارد.

۲- سیاست و تربیت سیاسی نقش مهمی در زندگی انسان‌ها داشته و دارد و به سبب همین اهمیت بایستی مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد تا به تبیین و استوارسازی یک نظام هدفمند همراه با سیاستی در حد اعتدال دست یافت.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۶)، *فلسفه تربیت*، تهران، دانشگاه پیام نور.
- امینی، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان: مطالعه موردی شهر کاشان»، *دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار*، سال شانزدهم.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، نشر نی.
- بیگی، مجید؛ فتحی، یوسف (۱۳۹۴)، *بررسی مناسبات سبک زندگی و تربیت سیاسی و تأثیر آن بر نظم و امنیت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ع.ج.ع.)*، نخستین همایش سبک زندگی، نظم و امنیت.
- پور فرد، مسعود (۱۳۸۷)، «تربیت سیاسی از منظر شهیدان مطهری، صدر و بهشتی»، *فصلنامه در عرصه فرهنگ و تربیت اسلامی*، سال دوم، شماره پنجم.
- تاج‌زاده، سیدمصطفی (۱۳۸۲)، *در دفاع از انتخابات آزاد و عادلانه*، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- تفرجی، سعید؛ عامری سیاهویی، حمیدرضا (۱۳۹۳) *ارزیابی عملکرد کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری منطقه یک شیراز برای کاهش تخلفات ساختمانی*، کنفرانس ملی شهرسازی مدیریت شهری و توسعه پایدار.
- جان؛ الیاس (۱۳۸۵) *فلسفه تعلم و تربیت*، ترجمه عبدالرضا ضرابی، قم مؤسسه آموزش و پرورش امام خمینی (ع.ج.ع.)
- جراحی دربان، مهدی؛ بابازاده، مجید؛ رود مقدس، رمضان‌علی (۱۳۹۳)، «مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی در اسلام از منظر قرآن»، *بصیرت تربیت سیاسی*.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ *لغت‌نامه*، ص ۵۵۰.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، سمت.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد*، تهران: نشر فرهنگ و اندیشه.
- رضوانی، محسن (۱۳۸۷)، «تربیت سیاسی: چپستی، آسیب‌ها و راهکارها»، *فصلنامه در عرصه فرهنگ و تربیت اسلامی*، سال دوم، شماره پنجم.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۷)، «تربیت سیاسی در چارچوب نظام‌های سیاسی و نظریه‌های مختلف»، *فصلنامه در عرصه فرهنگ و تربیت اسلامی*، سال دوم، شماره پنجم.

- رهنما، اکبر؛ سبحانی نژاد، مهدی؛ علیین، حمید (۱۳۸۷)، «بررسی تحلیلی مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی (علیه السلام)» در نهج البلاغه، ماهنامه علمی و پژوهشی دانشگاه شاهد، سال پانزدهم، شماره ۳۰.
- سلحشوری، احمد؛ یداله‌ی فر، محمدجواد؛ خنکدارطراسی، معصومه (۱۳۹۱)، «مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (علیه السلام)»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره پنج.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۶) *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نشر نی.
- عسگری تلاوت، علی اکبر (۱۳۸۲)، *نقش صداوسیما در شکل دهی به رفتار سیاسی مردم در انتخابات مجلس ششم*، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- عیسی‌نیا، رضا (۱۳۸۷) «تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (علیه السلام)»، فصلنامه در عرصه فرهنگ و تربیت اسلامی، سال دوم، شماره پنجم.
- فیضی، سینا؛ عنبری، حسین؛ نظری، ابراهیم (۱۳۹۲)، *بررسی آموزه‌های تربیت سیاسی از منظر نهج البلاغه*، اولین همایش ملی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی روانشناسی، مشاور و آموزش در ایران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۵)، «نظریه‌های روانشناختی و رویکردهای تلفیقی مشارکت»، *مجله سیاست داخلی*، ش ۱.
- محمد طحان، مصطفی (۱۳۸۱) *جنبش‌های اسلامی معاصر و چالش‌های قوم‌گرایی*، ترجمه خالد عزیزی، تهران، نشر احسان.
- مرکز افکارسنجی دانشجویان (ایسپا) (۱۳۸۲)، *بررسی میزان مشارکت شهروندان تهرانی در انتخابات مجلس هفتم*، گزارش ۱۸۸.
- مسعودیان، پریسا؛ بهشتی؛ سعید (بی‌تا) «بررسی اهداف و اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۱۷، ص ۷-۲۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴) *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، نشر صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۶) *فرهنگ لغات معین*، تهران، انتشارات ساحل، چاپ چهارم.
- موسوی الیگودرزی، مهدی (۱۳۸۷)، «درآمدی بر تربیت سیاسی از دیدگاه قرآن کریم»، *فصلنامه در عرصه فرهنگ و تربیت اسلامی*، سال دوم، شماره پنجم.

میراحمدی؛ منصور (۱۳۸۷)، «اصول و مبانی تربیت سیاسی در متون و منابع دینی»، فصلنامه در عرصه فرهنگ و تربیت اسلامی، سال دوم، شماره پنجم.
میرتمیزدوست، مه کامه؛ موسی نیای زارع، سید علی (۱۳۹۲)، فلسفه تربیت در اسلام با تأکید بر تربیت سیاسی، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.

Bandura, Albert (1982), "Self-efficacy Mechanism in Human Agency", *American Psychologist*, 37: 47-122.

Gaiser, Wolfgang & Rijike, John (2008), "Political Participation of Youth Young Germans in the Eropean Context", Asia Eroup journal, Springer, January, Vol.5.

<http://ayaronline.ir/>

<http://javanonline.ir/fa/news>

<http://www.hawzah.net>

McClurg, S.D. (2003), "Social Networks and Political Participation: The Role of Social Interaction in Explaining Political Participation" *Political Research Quarterly*, 56(December).

Norris, Pipa (2002), *Theories of Political Activism: New challenges, new opportunities*, Oxford University Press.

Archive of SID